

A Comparative Study of the Principle of Human Dignity from Perspective of Ayatollah Khamenei and in Humanistic Tenets

Seyyed Sajjad Gholami *

Assistant Professor, Department of Humanities, Faculty of Arts and Humanities, Yasuj University, Yasuj, Iran

Abstract

Expounding upon the nature of "human dignity", both theoretically and practically, establishes the supremacy of one school of thought over its rivals. Scholars have extensively explored the concept of human dignity within the framework of Islamic philosophy and the Quranic discourse. This research aims to identify the foundations, components, and indices of the principle of human dignity from the perspective of Ayatollah Seyed Ali Khamenei. Employing a descriptive-analytical and comparative method, it seeks to compare his statements with the foundations and components of human dignity from the perspective of humanists by analyzing the Leader's statements and inferential approach. The findings of this research show that the basis of the principle of human dignity in the thoughts of His Eminence is based on an Islamic-centered human, which itself has three components: "divine creation," "divine caliphate," and "preservation of human dignity and values." These three components have several characteristics that together constitute the principle of human dignity in Ayatollah Khamenei's thought. This view is contrary to the humanist view of human dignity, as from their perspective, human creation is natural and non-divine; moreover, they have said that humans themselves are the only source of values, whereas, in Ayatollah Khamenei's intellectual outlook, which is derived from Islam, monotheism is the core in explaining human values, and rationalism in the humanist school, as the only tool for human self-sufficiency, is in contradiction with Ayatollah Khamenei's definition of reason and its theoretical and practical status.

Keywords: Ayatollah Khamenei, human dignity, humanism, monotheism.

* Email: s.gholami@yu.ac.ir (Corresponding Author)

بررسی تطبیقی اصل کرامت انسانی به مثابه مهمترین مبنای تربیت قرآنی و حدیثی از منظر حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) با مکتب اومانیسم

| سیدسجاد غلامی* |

چکیده

تبیین ماهیت «کرامت انسانی» چه در شأن نظری و چه در شأن عملی، نشان‌دهنده تفوق یک مکتب بر سایر مکاتب رقیب است. بررسی کرامت انسانی، ازجمله مسائل قرآن کریم و فلسفه اسلامی می‌باشد که توسط دانشمندان مورد واکاوی قرار گرفته است. این تحقیق هدفش احصاء مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل کرامت انسان از منظر آیت الله خامنه‌ای می‌باشد و تلاش دارد با تحلیل گفتمان و رویکرد استنباطی، بیانات معظم‌له را با مبانی و مؤلفه‌های کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی اومانیسم، با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی مورد تبیین و بررسی قرار دهد. بعد از بررسی تطبیقی بیانات و مکتوبات آیت الله خامنه‌ای با مبانی اومانیسم؛ چنین نتیجه گرفته می‌شود که مبنای اصل کرامت انسان در اندیشه معظم‌له، براساس مبنای انسان اسلام‌محور است که خود دارای سه مؤلفه «خلقت الهی»؛ «خلیفه الهی» و «حفظ شرافت و ارزش‌های انسانی» می‌باشد. این سه مؤلفه دارای شاخص‌هایی است که مجموع آنان، اصل کرامت انسانی را در اندیشه معظم‌له تشکیل می‌دهد. این دیدگاه برخلاف دیدگاه انسان‌محوری اومانیستی در خصوص کرامت انسانی می‌باشد؛ چراکه از منظر آنان خلقت انسان طبیعی و غیرالهی است؛ از سوی دیگر آنان تنها منبع ارزش‌ها را خود انسان بیان کرده است، درحالی‌که در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای که برگرفته از دین اسلام می‌باشد، توحید هسته اصلی در بیان ارزش‌های انسان است و عقل‌گرایی و خردگرایی در مکتب اومانیسم به‌عنوان تنها ابزار خودکفایی انسان می‌باشد که در تضاد با تعریف عقل از منظر معظم‌له و شأن نظری و عملی آن است.

واژگان کلیدی: کرامت انسان، اندیشه آیت الله خامنه‌ای، اومانیسم.

۱. استادیار گروه الهیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

*Email: s.gholami@yu.ac.ir

۱- مقدمه

مبنای تمایز گفتمان‌های دینی و فلسفی مختلف را می‌توان به تلقی گوناگون آن‌ها از مفهوم «انسان» برگرداند. اینکه هر گفتمان چه تعریفی از انسان ارائه می‌دهد و این تعریف هم‌هنگام می‌بایست به چیستی و چرایی هستی انسان بپردازد. ازجمله مباحث مهمی که همواره در اندیشه و مکاتب مختلف مورد توجه بوده است، «کرامت انسانی» می‌باشد. اندیشمندان اسلامی (مجلسی، ۱۴۱۴: ۱/ ۱۱۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۹: رساله اول، ۱/ ۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۰۷: ۱۸/ ۳۳۷؛ جوادی‌آملی، ۱۳۸۶: ۱۰۹) بر این‌باورند که تفکر و اندیشیدن در خصوص سعادت انسان و دیگر شئون نظری و عملی او، بدون تعمیق و کنکاش از ماهیت «کرامت انسانی» بی‌ثمر است و مهم‌ترین وجه برتری در هر مکتب و ایدئولوژی با سایر اندیشه‌های رقیب، تبیین ماهیت «کرامت انسان» و خاستگاه، اهمیت و دستاوردهای انسانی، اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و... آن می‌باشد. در میان اندیشمندان معاصر اسلام، آیت‌الله خامنه‌ای این برتری بارز را در نوع نگاه تربیت قرآنی و حدیثی خود نسبت به دیگر مکاتب به‌ویژه اومانیسم «Humanism» بسیار مورد تأکید قرار داده است. ازاین‌رو، مقاله حاضر درصدد است تا از رهگذر تبیین مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل کرامت انسانی به‌عنوان مهم‌ترین مبنای تربیت قرآنی و حدیثی از منظر انسان‌شناسی معظّم‌له در مقایسه تطبیقی با مؤلفه‌های اومانیسم، به پرسش‌های ذیل پاسخ دهد:

- ۱- مبانی، مؤلفه و شاخص‌های اصل کرامت انسانی به مقاله، مهم‌ترین مبنای تربیت قرآنی و حدیثی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چیست؟
 - ۲- مبانی و مؤلفه‌های کرامت انسانی از منظر اومانیسم چیست؟
 - ۳- چه تفاوت و اشتراکاتی بین دو دیدگاه وجود دارد؟
- روش این پژوهش در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در استناد به داده‌ها، اسنادی و در تجزیه و تحلیل، شیوه تحلیل محتوای کیفی (از نوع توصیفی - تحلیلی، تطبیقی) می‌باشد؛ در این مقاله نخست به پیشینه تحقیق بحث کرامت انسانی اشاره شده است، در ادامه معنای لغوی کرامت و اومانیسم توضیح داده شده، بعد از آن ابتدا «کرامت انسانی» از منظر مبانی انسان‌شناسی اومانیسم مورد بررسی قرار گرفته و سپس کرامت انسانی به مقاله، مهم‌ترین مبنای تربیت قرآنی و حدیثی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای مورد واکاوی و تبیین قرار گرفته است و درنهایت به بررسی تطبیقی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای و اومانیسم پرداختیم.

۲- پیشنهاد تحقیق

کرامت انسانی از جمله مسأله‌هایی است که آثار فراوانی در حوزه‌های، دینی، فلسفی، حقوقی، فقهی و... نوشته شده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کتاب «کرامت انسان از نگاه اسلام و مسیحیت»، اثر پرویز فارس‌جانی می‌باشد. ایشان کرامت انسانی را از منظر دین اسلام و مسیحیت مورد بررسی قرار داده و به این مسأله پرداخته است که آیا موضوع مهم «کرامت انسانی» در هر دو دین بزرگ اسلام و مسیحیت به یک اندازه معنا دارد و مورد توجه قرار می‌گیرد؟ در این صورت نقاط مشترک این موضوع چیست و تفاوت آن‌ها در چه زمینه‌ای می‌باشد؟ ایشان در جمع‌بندی به ۱۳ نتیجه اشاره می‌کند، از جمله اینکه در «در اسلام به صراحت- برخلاف مسیحیت- موضوع کرامت انسان اعم از: ذاتی و اکتسابی مطرح گردیده است، به‌ویژه در نصوص مقدس آن یعنی قرآن و سنت- در دین مسیح- این‌گونه بیان نشده است. انسان در دین اسلام به‌طور ذاتی پاک و دارای کرامت الهی می‌باشد، درحالی‌که در مسیحیت انسان ذاتاً گناهکار و فقط عیسی (ع) دارای کرامت الهی است. در انسان‌شناسی مسیحی به موضوع کرامت انسان، اغلب از جنبه ارزش به منزلت و جایگاه او نظر شده است و بحث کرامت، امری عرضی برای انسان می‌باشد، درحالی‌که کرامت انسان در اسلام، ضمن صراحت، امری نفسی و وجودی است. سرانجام و سرنوشت انسان، بستگی به کرامت او دارد. بدین‌گونه که جسم او فانی می‌باشد و از این‌رو تا زمانی قیمتی و اندیشمند است که بتواند مرکب و کالبد شایسته‌ای برای تعالی روح انسان که زیربنای و أساس آن کرامت انسان است، باشد و کرامت انسان (اکتسابی) با ایمان به خدا، عمل صالح و تقوا که با اختیار و اراده مبتنی بر عقل نیت او می‌باشد، که به کمال می‌رسد و موجب تقرب الهی می‌شود. (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) اما در مسیحیت فرجام و سرنوشت انسان بسته به ایمان مسیح (ع) در این دنیا است، چون مسیح (ع) با فدیہ کردن خون خویش، کفاره گناه آدم (ع) و در نهایت گناهکار بدون ذاتی انسان‌ها را داده است- بی‌توجهی به کرامت ذاتی و اکتسابی انسان در دنیای امروز، موجب سقوط انسانیت و تنزل و ترویج بی‌اخلاقی گسترش سکولار، بحران معنویت، بردگی مدرن انسان‌ها، تضییع حقوق انسان‌ها در جوامع شده است...» (فارس‌جانی، پرویز، ۱۳۹۶: ۴۲۹-۴۳۰).

- اثر دیگر که در زمینه کرامت انسانی قابل توجه است، کتاب «کرامت انسان در قرآن (ماهیت، مبانی و موانع)» از بهروز یدالله‌پور می‌باشد. اثر حاضر به بررسی رابطه معناشناختی کرامت و فضیلت در قرآن، معناشناسی انسان در نظام معنایی قرآن و انسان‌شناسی و معناشناسی کرامت انسانی در قرآن پرداخته است که حاصل بازبینی و بازنگری رساله دکترای نویسنده می‌باشد. مطالب این کتاب در چهار بخش به شرح ذیل نگارش یافته است. بخش نخست: کرامت انسان در نظام معنایی

قرآن کریم شامل: درآمد، مفهوم‌شناسی، کرامت انسان در قرآن کریم، کرامت انسان پیش از نزول قرآن، کرامت انسان از دیدگاه فقها، کرامت انسان از دیدگاه عارفان، معناشناسی انسان در قرآن و... بخش دوم: مبانی کرامت انسان در قرآن کریم شامل: مقدمه، مبنای اول: دارا بودن روح‌الاهی، مبنای دوم: خلافت‌الاهی، تعلیم اسماء (برخورداری از علم خاص خداوند)، مسجود فرشتگان بودن، سجده فرشتگان به انسان، مبنای سوم: اختیار و اراده انسان، مبنای چهارم: تسخیر جهان هستی و... بخش سوم: موانع کرامت انسان از دیدگاه قرآن شامل: مقدمه، موانع فردی کرامت، موانع اجتماعی کرامت انسان، آسیب‌رسانی به حیثیت اجتماعی افراد، نابرابری و تبعیض، رابطه مجازات‌های اسلامی و کرامت انسان، ناسازگاری مجازات‌ها با کرامت انسان، سازگاری مجازات‌ها با کرامت انسان براساس فقه سنتی و... بخش چهارم: لوازم کرامت انسان در قرآن شامل: مقدمه، لوازم کرامت انسان، آزادی انسان در اسلام، آزادی عقیده، عوامل تهدیدکننده آزادی، حق آزادی انسان‌ها و مسأله برده‌داری، راه‌های پاسداشت کرامت انسان و... (یدالله‌پور، بهروز، ۱۳۹۶).

- اثر دیگر «کرامت و حقوق انسان در نهج‌البلاغه» به قلم محمد حکیمی پیرامون مقام، کرامت انسانی و حقوق بشر و همچنین رفتار حضرت علی (ع) در دوران زمام‌داری خویش نگاشته شده است، این کتاب شامل ۱۸ فهرست و عنوان است که با کرامت خدایی انسان بحث کتاب آغاز می‌شود و در ادامه به مباحثی چون: توده‌گرایی و کرامت و حقوق انسان/ راهکارهای پاسداری از حقوق انسان/ انسان‌ها، خود پاسدار کرامت خویش/ عدالت زمینه‌ساز حقوق/ فقر و نابودی کرامت و حقوق/ حقوق متقابل/ ویژه‌سازی ویرانگر کرامت و حقوق/ معیار در رفتار زمام‌داران با مردم/ مساوات، بستر اصلی کرامت و حقوق/ کرامت انسانی و پاسداری از حقوق محرومان و... اشاره داشته است. در این اثر نویسنده در تلاش می‌باشد تا با آشکار کردن برتری بنیادین حقوق انسان از منظر امام (ع)، موجب روشن‌گری راه پایداری از حقوق انسان به‌ویژه اکثریت مظلوم و محروم توده‌هایی انسانی به آسایش- گرچه نسبی- اشاره داشته است (حکیمی، محمد، ۱۳۹۹: ۱۲).

علاوه‌بر آثار ذکرشده درخصوص کرامت انسانی، مقالاتی نیز نوشته شده است؛ ازجمله:

- «معیار کرامت انسان در قرآن و روایات» نوشته احمد صادقیان، نویسنده معیارهای کرامت انسانی را با توجه به دو منبع معتبر اسلام یعنی قرآن و روایات مورد بررسی قرار داده است؛ نویسنده در این مقاله به‌دنبال تبیین کرامت انسان از دیدگاه روایات می‌باشد و به‌همین منظور، به اختصار معنا و منشأ کرامت انسان را از آیات قرآن استفاده کرده و سپس از تعالیم و سخنان پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) که به‌عنوان مفسر قرآن به تبیین کرامت انسان پرداخته‌اند، استفاده نموده است و بعضی

از معیارهای کرامت، آثار کرامت و راه‌های وصول به کرامت را بیان کرده و در توضیح بعضی از روایات از دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) بهره برده است (صادقیان، احمد، ۱۳۸۶: ۱۸۷).

- مقاله «معناشناسی کرامت انسان در قرآن» نوشته بهروز یدالله‌پور از آن جمله است که مفهوم کرامت را در قرآن مورد واکاوی قرار داده است. ایشان این مقوله را در آراء قرآن‌پژوهان و مفسران در یک اندیشه یکسانی مشاهده نمی‌کند و بیان می‌نماید با توجه به اینکه از منبع و حیانی یکسانی سخن می‌گویند، اما در پرسش‌های کلیدی انسان‌شناسانه دچار اختلاف نظر هستند؛ از جمله نتایجی که ایشان در مقاله خود بیان می‌نماید، این است که در ادبیات قرآن کریم، کرامت وصفی تشکیکی است که هم بر خداوند و هم بر پیامبر (ص)، جبرئیل، قرآن، انسان، عرش الهی، فرشتگان و رزق اطلاق شده است و چون از جنس وجود می‌باشد، ماهیت‌بردار نخواهد بود (یدالله‌پور، بهروز، ۱۳۸۸: ش ۲/۱۳۸).

- مقاله «کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات»، نوشته مصطفی سلیمی‌زارع و کاظم قاضی‌زاده، در این مقاله نیز نویسندگان با استفاده از آیات قرآن و روایات، کرامت اصیل انسانی و اینکه چه کراماتی از سوی خداوند به او عطا شده و جایگاه انسان در بین مخلوقات خداوند چه جایگاهی دارد، مورد تبیین قرار داده است. ایشان در نتایج آورده است: «با بررسی کلی کرامت‌هایی که خداوند به انسان داده و به آن‌ها در قرآن اشاره شده، به نظر می‌رسد بتوانیم این کرامات را در دو نوع جای داد: تکریم عام و تکریم خاص. نوع نخست این توجّهات و کرامات، عام است و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می‌شود که بیانگر صفت رحمانیت خداوند می‌باشد. همان گونه که در تفسیر صفت «رحمان» آمده، رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را دربر می‌گیرد. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخّر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی، از این جمله‌اند. نوع دیگر کرامات الهی به بشر، خاص بوده و تنها انسان‌هایی که راه حقیقت را یافته و ایمان به خدا دارند را شامل می‌شود. خداوند به این دسته از انسان‌ها، رحمت خاصی عطا نموده که غیرمؤمنان، از آن بی‌نصیب‌اند. از این نوع کرامت و رحمت در لسان قرآن و تفاسیر، به رحمت خاص یاد شده است. مفسران در معنای «رحیم» گفته‌اند که نوعی از رحمت خاص پروردگار است که تنها مؤمنان را شامل می‌شود: «وكان بالمؤمنين رحيما» (احزاب، ۴۳/۳۳) و نیز خداوند می‌فرماید: «إنّه بهم رؤوف رحيم» (توبه، ۱۱۷/۹). (سلیمی‌زارع، مصطفی؛ قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۸۶: ش ۵۳).

نوآوری ویژه مقاله حاضر در نشان دادن تفوق‌های شأن نظری و عملی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای در مقایسه با مبانی انسان‌شناسی اومانیسم است.

۳- معنای «کرامت» در لغت و اصطلاح

اصل معنایی «کرامت» از مصدر «کرم» به معنای شرافت چه در نفس و چه در خلق و خوی است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/ ۱۷۲). همچنین این واژه در مقابل «هوان» پستی قرار دارد، همچنانکه عزت در مقابل ذلت و بزرگ در مقابل کوچک قرار دارد. واژه «کرم» به معنای عزت و تفوق در نفس و ذات شیء، درحالی که مفهوم استعلا و برتری نسبت به اشیای دیگر در آن لحاظ نشود (مصطفوی، ۱۴۱۶ق: ۱۰/ ۴۹، ۵۱ و ۵۳). در اصطلاح کرامت عبارت است از ارزش، اصالت و برتری وجودی هر موجود که از پائین‌ترین مرتبه جمادی تا بالاترین مرتبه (کمال مطلق بالفعل که خداوند می‌باشد) در نوسان است، کرامت انسانی نیز به معنای آن ارزش، اصالت و برتری‌هایی می‌باشد که او را غنای وجودی و برتری می‌بخشد (جعفری، ۱۳۷۰: ۲۷۹؛ میراحمد و کمالی، ۱۳۹۳: ۷-۹). ارزش غایی و نهایی انسان به وسیله همین قسم از کرامت تحقق می‌یابد (جعفری، ۱۳۹۰: ۸۰).

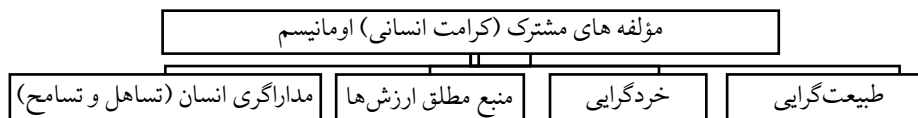
۴- معنای لغوی و اصطلاحی اومانیسم

معنای لغوی واژه «Humanism» از واژه لاتینی «humus» گرفته شده که به معنای خاک یا زمین است. این واژه از آغاز در تقابل با دو دسته از موجودات خاکی غیر از انسان از یک سو و ساکنان آسمان یا خدایان (deus/divinus, divinus) از سوی دیگر قرار داشت (Davies, 1997 : 125-126). «Humanis» اصطلاحی است که در قرن نوزدهم ۱۸۰۸ نخستین بار در آثار اندیشمندان آلمانی به کار گرفته شد و اشاره به نوعی تعلیم و تربیت داشت که توجه به آثار کلاسیک یونانی و لاتین را مدنظر قرار داده بود. در انگلستان واژه اومانیسم اندکی بعد مطرح گردید (حسنی، سیدعلی، ۱۳۹۲: ۱۱۶). اومانیسم عبارت از معیار و مبنا بودن انسان و خواسته‌ها و علایق او در حوزه عمل و نظر دانست (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). در این دیدگاه، انسان موجودی کاملاً آزاد و مستقل در نظر گرفته می‌شود که در شناخت سعادت واقعی خویش و راه رسیدن به آن خودبسنده است. سرنوشت خود را خود رارقم می‌زند و موجودی خودمختار، دارای قدرت مطلق و وانهاده به خویش و از هرگونه تکلیف و الزامی مطلقاً آزاد می‌باشد. البته واژه «Humanism» به معنای پیش گفته نخستین بار چند سال پس از آغاز این جنبش و در اوایل قرن نوزدهم توسط یک آموزگار آلمانی به نام نیتامر (Niethammer) به کار گرفته شد (رحمتی، ۱۳۸۸: ۲۶۵). انسان‌گرایی در معنای دنیای جدید، انسان را کانون مرکزی عالم قرار می‌دهد. این قرائت از اومانیسم که به «اومانیسم روشنگری» معروف است (صانع‌پور،

۱۳۸۱: ۳۹). در نوشتار حاضر بر مبانی و مؤلفه‌های انسان‌گرایی در معنای دنیای جدید مورد بررسی و مقایسه با مبانی، مؤلفه شاخص‌های انسان‌شناسی آیتالله خامنه‌ای قرار می‌گیرد.

۵- کرامت انسانی از منظر مبانی انسان‌شناسی اومانیسم

اومانیسم جنبشی است که پایه‌های آن در عصر رنسانس بنا نهاده شد و به تدریج توسعه یافت و شئون مختلف حیات انسانی را فرا گرفت (ابوالقاسمی، نصیری و خالقیان؛ ذهن، ش ۳۵: ۳۶). به گونه کلی از رنسانس تا امروز سه دوره برای اومانیسم می‌توان در نظر گرفت: ۱. اومانیسم رنسانسی (از رنسانس تا قرن هجده)، ۲. اومانیسم عصر روشنگری (قرن هیجدهم)، ۳. اومانیسم مدرن (از قرن بیستم به بعد). در اومانیسم رنسانسی، وجهه همت اومانیست‌ها (Humanism, huamista, studia humanitatis) ارائه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی بود تا به وسیله آن‌ها، هنر نوشتن و صحبت کردن را بگسترند و این امر را در مطالعه آثار متقدمان (فیلسوفان یونان و روم باستان) پی می‌جستند (Luik, 1998: 529; Oskar kristeller, 1979: 25; Hitchcock, 1982: 25). ویژگی بارز اومانیسم عصر روشنگری که به اومانیسم علمی یا سکولار نیز مشهور است، تأکید بر عقل انسان می‌باشد. این دوره که شامل قرون هفدهم و هجدهم میلادی است، همراه با ظهور اندیشمندانی چون دکارت، ولتر، روسو، مونتسکیو، هیوم و کانت می‌باشد. این اندیشمندان تأکید داشتند که هدف و دل‌نگرانی اصلی انسان، به دست‌آوری اراده و خواست الهی نیست، بلکه هدف، شکل‌دهی جامعه و زندگی انسان‌ها براساس عقل می‌باشد. در نظر آن‌ها، شأن و منزلت انسان نه تابع منبع الهی، بلکه منوط به محقق کردن استعدادهای عقلانی وجود زمینی انسان است. اومانیسم عصر روشنگری معتقد بود که فهم درست انسان نه در دایره آموزش‌های روح مخلوق و متعالی، اراده الهی و ایمان، بلکه براساس عقل و آزادی او ممکن می‌باشد. بر این اساس، تعریف جدیدی از انسان با توجه به آزادی او مطرح شد. در دایره هستی نیز خبری از خدا و خواست الهی و نظم از پیش تعیین شده برای زندگی خوب انسان مطرح نیست. وجهه متمایز اومانیسم عصر روشنگری از اومانیسم دوره قبل و بعد آن، در این نکته است که اومانیست‌ها این دوره خوش‌بینی بسیاری به قدرت عقل انسانی در توصیف و نظم بخشیدن به جهان و پذیرش مسئولیت پیامدهای آن داشته‌اند (Luik, 1998: 530-531). با توجه به مطالبی که درباره تعریف اومانیسم مطرح شده است، با وجود عقاید فلسفی متفاوت میان سه دوره اومانیستی، با این همه شاید بتوان گفت اومانیست‌ها در برخی مؤلفه‌ها با هم مشترکند، عبارت است از:



شکل ۱: مؤلفه‌های مشترک اومانیزم

از دیدگاه کلی سه دوره اومانیزم، چهار مؤلفه به‌عنوان کرامت انسانی قابل بیان است که هر کدام دارای شاخص‌هایی می‌باشد.

۵-۱- خلقتی طبیعی، نه الهی

در اندیشه مکتب انسان‌شناسی اومانیزمی، انسان منشأ طبیعی و غیرماورای طبیعی دارد. بر این استدلال بیان کرده‌اند که انسان موجودی است که جسم و حواس دارد و این، او را به طبیعت گره می‌زند و توان جدایی از طبیعت را از او می‌گیرد. از این‌رو انسان منشأ طبیعی دارد و مهمان ناخوانده عالم طبیعت نیست و باید این دنیا را مأوای خویش سازد و بدین وسیله دریابد که نیازهای اولیه، وی را بین عالم پیوند داده‌اند (Abbagnano, 1973: 133). بر این اساس اومانیزم‌ها از پذیرش اینکه خدا منشأ نهایی همه موجودات و ارزش‌ها باشد و یا اینکه شکاف بین طبیعت و ماورای طبیعت باشد، سر باز می‌زنند. در نظر آن‌ها انسان قسمتی از طبیعت است، ولو اینکه دارای ابعاد خاصی چون آزادی می‌باشد (Kurtz, 1994: 51). در نتیجه آنان خلقت انسان را منشأ طبیعی و دنیایی فرض کرده‌اند و خلقت الهی او را کنار زده‌اند. این نوع بینش یعنی خلقتی طبیعی نه الهی، دارای شاخص‌های ایجابی در مؤلفه کرامت انسانی از منظر اومانیزم و سلبی در تقابل با دیگر رویکردها است، از جمله اینکه:

- طبیعت منبع خلقتی انسان؛ (در مقابل آن: نفی منبع نامحدود همه موجودات (نفی توحید به‌عنوان خالق نامحدود و منبع آفرینش هستی) (Kurtz, 1994: 50).
- حواس تنها منبع معرفتی طبیعت؛ نفی ماوراءالطبیعه. تنها آنچه که با حواس قابل حس باشد، مورد تأیید است.
- بهره‌مندی بی‌حد از لذت‌های طبیعی؛ (لذت‌گرایی انسان) طبیعت برای لذت انسان است و حد نهایت باید بهره برده شود.
- هنر طبیعت‌گرایی انسان اومانیزمی: در این شاخص انسانی، انسان کانون توجه قرار می‌گرفت و انسان مرکز و مقیاس همه چیزها شمرده می‌شود (حسنی، سیدعلی، ۱۳۹۲: ۱۳۲). یکی از

مهم‌ترین دیدگاه‌های طبیعت‌گرایان در عرصه هنر قابل مشاهده است؛ هنرمندان عصر رنسانس تقلید از طبیعت را هدف اصلی خود بیان کرده‌اند و تبدیل به غایت برای آنان شد (فوگل، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۵۱).

۲-۵- خداانگاری انسان در ارزش‌ها (انسان منبع مطلق ارزش‌ها)

از دیگر مؤلفه‌های مهم کرامت انسانی در منظر اومانیزم، کرامت ذاتی انسان است، بدین معنا که این انسان و تجربیات او تنها منبع مطلق ارزش‌های اخلاقی می‌باشد. با این تفسیر از انسان؛ امور مابعدالطبیعه (وحی) جایگاهی در بیان ارزش‌های اخلاقی ندارد و معیارهای اخلاقی تنها در زندگی قابل‌رؤیت است، نه در ورای آن؛ به عبارتی دیگر، اومانیزم قوانین و دستورهای برآمده از دین را مورد نقد جدی قرار می‌دهند و آن را به عنوان منبعی برای ارزش‌های اخلاقی رد می‌کنند. از نظر آنان، ادیان الهی همیشه بهترین غرایز انسانی را پایمال کرده و آزادی انسان را نادیده گرفته‌اند (حسنی، سیدعلی، ۱۳۹۲: ۱۳۲)؛ بر این اساس ازجمله شاخص‌های این مؤلفه عبارت است از:

- خودمحوری و فردگرایی اخلاقی؛ براساس این نگاه که انسان خود محور ارزش‌هاست، نه خارج از آن؛ متناسب با این نگرش هر انسانی خودمحور ارزش‌ها است که درنهایت منجر به نسبیت-گرایی اخلاقی می‌شود.

- غیرقابل سلب بودن تمامی حقوق طبیعی: از آنجاکه اومانیزم انسان را مالک همه چیز و محور همه امور می‌داند و در شأن طبیعی و مادی‌اش خلاصه می‌کند، از این رو کرامت انسان را نیز برخاسته از حق طبیعی (حقوقی که برخاسته از طبیعت انسان و تمایات و عواطف فطری اوست) و حیثیت ذاتی او - نه برخاسته از منشأ الهی و دین - می‌داند (اصفهان‌ی، سیدعبدالله؛ یوسفی، خاطره، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

- نسبیت‌گرایی اخلاق: وقتی انسان تنها منبع ارزش‌های اخلاقی شود، هر شخصی خود محور ارزش‌ها محسوب می‌گردد و متناسب با این رویکرد، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی نسبی می‌شود و از فردی به فرد دیگر متفاوتند.

- انسان‌محور و ملاک همه امور (ارزش‌ها) (زرشناس، ۱۳۷۰: ۲۷).

- آزادی انسان: یکی از شاخص‌های مورد توجه و تأکید انسان‌مداران، آزادی و اختیار انسان است؛ اختیاری که بتواند آن را در طبیعت و جامعه اعمال کنند و در آن نظامی که در قرون وسطا اصرار بر خدشه‌ناپذیری آن بود، تغییراتی ایجاد نمایند، انسان قادر به جعل قانون حقوقی و اخلاقی برای انسان و اجتماع خود می‌باشد و حتی باید گفت که مبنای امور اخلاقی و حقوقی ریشه در خود انسان‌ها دارد و اساس آن‌ها خود انسان است (Webber, 1982: 42).

- پوچی‌گرایی و نامعقول دانستن اصل آفرینش جهان (وکیلی، ۱۳۸۴: ۳۶).

- خاستگاه قانون، میل و اراده تعدیل نشده انسان‌ها و آزادی مردم است.

- آرمان‌های نهایی انسان باید در قلمرو حیات مادی و زندگی دنیوی تفسیر شود.
- وضع قانون باید به حداقل برسد و انسان‌ها براساس طبیعت و کمال خود رفتار کنند (اصفهانی، سیدعبدالله؛ یوسفی، خاطره، ۱۳۹۷: ۱۹۵).

۵-۳- عقل‌گرایی و خودکفایی

یکی از مؤلفه‌های اساسی کرامت انسانی در اومانیزم، عقل‌گرایی و اعتقاد به خودکفایی و استقلال عقل انسانی در شناخت خود، هستی، سعادت واقعی و راه رسیدن به آن است (Luik, 1998: 530). بدین معنا که عقل محور شناخت هستی است و هرچه از سرپنجه قدرت عقل بشر خارج باشد و قابل کشف نباشد، وجود ندارد؛ در نتیجه در بُعد هستی‌شناختی هرگونه موجود ماورای طبیعی مانند خدا، وحی، معاد و اعجاز- آن‌گونه که در بینش دینی مطرح است- مدعیاتی اثبات- ناپذیر می‌پنداشتند و در بُعد ارزش‌شناختی نیز بر این باور بودند که ارزش‌های حقوقی را باید با استمداد از عقل بشری تعیین کرد (حسنی، سیدعلی، ۱۳۹۲: ۱۳۴). این عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی دامن‌گستر، حوزه‌های ارزشی دین و اخلاق را نیز دربر می‌گرفت. آنان معتقد بودند که همه‌چیز از جمله قواعد اخلاقی ساخته دست بشر بوده و باید باشد (آندریه، ۱۹۹۶م، ۵۶۷/۲). بر این اساس از جمله شاخص‌های این مؤلفه عبارت است از:

خود کفایی عقل در راه وصول به سعادت؛

خودکفایی عقل در شناخت خود

خود کفایی عقل در شناخت هستی

خود کفایی عقل در شناخت ارزش‌های حقوقی

خود کفایی عقل در شناخت قواعد اخلاقی

عقل در جای خدا و دین

۵-۴- مداراگری انسان (تساهل و تسامح)

یکی دیگر از مؤلفه‌های کرامت انسان از منظر اومانیزم‌ها، مداراگری انسان با یکدیگر است. در این دید همه انسان‌ها دارای کرامت هستند که علت آن در وحدت نوعی انسان می‌باشد. به عبارت دیگر مبتنی بر وحدت مبدأ و آن بازگشت به سرمنشأهاست (حسنی، سیدعلی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). در این نگاه مداراگری انسان به سرچشمه‌ای که شخص باید به آن بازگردد، برمی‌گردد؛ یعنی سرمنشأ زمینی انسان و عالم انسانی است و نه خدا (Ibid: 132)؛ در نتیجه چون همه انسان‌ها به یک انسان بازمی‌گردند، همه دارای کرامت هستند و با یکدیگر باید با تسامح و تساهل برخورد کنند؛ چراکه منشأ همه انسان‌ها یک نوع می‌باشد. بازگشت به سرمنشأها مضمونی است که در مکتب نوافلاطونی

یافت می‌شود و اومانیت‌ها این مضمون را از آنجا گرفتند. البته این مضمون در آن مکتب، ماهیتی کاملاً دینی دارد، یعنی مراد از سرمنشأ خداست و بازگشت به آن به معنای معکوس کردن فرایند صدور می‌باشد که از خدا تا موجودات صورت گرفته است (Ibid: 132)؛ وقتی وحدت مبدأ واحد مطرح باشد، دیگر برتری‌جویی و تعصب‌ورزی جایی ندارد؛ چون همه از یک منبع و منشأ برمی‌خیزند؛ از این رو تساهل و مدارا معنا می‌یابد (حسنی، سید علی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

در پارادایم اومانیسیم، کرامت ذاتی انسان تنها در ساحت مادی، دنیوی و اجتماعی او و در ارتباط انسان با جامعه و سایر انسان‌ها مطرح است.

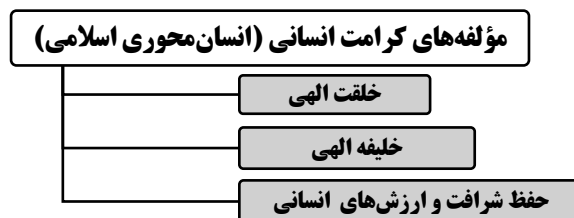
تساهل فرهنگی و تسامح عقیدتی و... از ضروریات حکومت است.

۶- کرامت انسانی به مقاله مهم‌ترین مبنای تربیت قرآنی و حدیثی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

مهم‌ترین مبنای اصل کرامت انسانی در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مبنای تربیتی قرآنی و حدیثی است که شالوده اصلی منظومه فکری و اجتماعی معظم‌له را در بحث انسان‌شناسی اسلامی شکل می‌دهد. در اندیشه ایشان پنج رکن اصلی که برآمده از قرآن و حدیث می‌باشد، دیدگاه ایشان را نسبت به انسان تشکیل می‌دهد، عبارت است از: ۱- توحید، ۲- کرامت انسان (انسان‌محوری)، ۳- تداوم حیات بعد از مرگ؛ ۴- استعداد بی‌پایان انسان؛ ۵- حاکمیت حق و اصلاح در عالم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/3039>، بیانات، ۱۳۷۷/۴/۲۱، <https://khl.ink/f/2895>). دومین رکن در بیانات معظم‌له، تکریم انسان است؛ ایشان براساس آیه ۲۰ سوره لقمان «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» بر این اندیشه می‌باشد که تمام هستی بر دایره‌مدار انسان می‌چرخد، چنانچه آیه بر این قضیه صحه گذاشته است و همه این‌ها را مسخر انسان دانسته است؛ بنابراین انسان را موجودی بالقوه دانسته است که تمامی این چرخ و فلک در تسخیر انسان و برای انسان آفریده شده است؛ این برتری هم از جهت تکوینی می‌باشد و هم تشریعی بشر است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/3039>). همچنین ایشان ذیل آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». این «کَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» را دلالت بر عزیز بودن انسان در آفرینش الهی بیان کرده است - بنی آدم را تکریم کردیم - تکریم - و عزیزی - است که هم شامل مرحله تشریع و هم شامل مرحله تکوین می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/3039>).

۶-۱- مؤلفه و شاخص‌های اصل کرامت انسانی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اصل کرامت انسانی در مبنای قرآنی و حدیثی منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان به موارد زیر در جدول ذیل اشاره کرد:



شکل ۲: مؤلفه‌های کرامت انسانی

۶-۱-۱- مؤلفه خلقت الهی

انسان، آفریده شده خداوند است و او را به گونه‌ای آفریده است که تمام موجودات مسخر او باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.link/f/3039>، مخلص کلام آنکه در انسان محوری، تمام هستی بر دائرمدار انسان می‌چرخد، چنانچه آیه ۲۰ سوره لقمان «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» بر این قضیه صحه گذاشته و همه این‌ها را مسخر انسان دانسته است؛ یعنی انسان بالقوه به گونه‌ای ساخته شده که تمامی این چرخ و فلک در تسخیر انسان و برای انسان آفریده شده است؛ با درنگی در عالم این محوریت انسان قابل مشاهده می‌باشد. این انسانی که تمام کائنات مسخر اوست، توسط خداوند عزیز شده است «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، ۷۰). این برتری هم از جهت تکوینی است و هم تشریعی بشر می‌باشد (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ۱/۲۸۹)؛ در واقع معظم‌له خلقت انسان را در طول یک مبدأ ماورای طبیعی می‌داند و منشأ او را منشأی الهی دانسته است. در ادامه به مهم‌ترین شاخص‌های خلقت الهی از منظر ایشان اشاره می‌شود:



شکل ۳: شاخص‌های خلقت الهی

الف) عقل: یکی از شاخص‌های کرامت انسانی یا انسان محوری اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، خلقت عقل در انسان است. ایشان جنود عقل را که برای انسان یک فضیلت

می‌باشد، همان خُلقیات اسلامی دانسته است (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱، ۲۸۳۰، <https://khl.ink/f/>) و بر این باور می‌باشد که عقل و تفکر در انسان نیروی پیش‌برنده وجود اوست و بدون عقل، نمی‌شود هیچ‌جا رفت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۱/۲۲، <https://khl.ink/f/2291>) همچنین ایشان در ذیل آیه ۳ سوره بقره «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» در خصوص ایمان به غیب، به کارکردهای اصلی عقل اشاره کرده و بر این باور است که با عقل، وجود خدا ثابت می‌شود، پیام خدا و درس خدا و رهنمود خدا، یعنی وحی ثابت می‌گردد، با وجود عقل وجود قیامت و بسیاری از چیزهایی را که عالم غیب هست ثابت می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴، <https://khl.ink/f/17171>) یا در ذیل آیه ۳ و ۴ سوره دهر «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا* إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَ سَعِيرًا» عقل و تفکر در نزد آیت‌الله خامنه‌ای از جمله مخلوقات می‌باشد که با قدرتش توانایی شناخت راه خدا در او وجود دارد و وظیفه تمام ادیان را در این دانسته است که انسان را به قوه اندیشه و فکر آگاه سازد تا با تبعیت از این فکر و آگاهی راه کمال را پیدا کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۲/۲۳، <https://khl.ink/f/17180>).

ب) اختیار: آیت‌الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره بقره به آیه ۷۸ سوره نساء «... قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...» اشاره می‌کند و بیان می‌نماید که اراده از جمله موهبت‌هایی می‌باشد که از سوی خداوند به بشر عطا شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۸/۱۸، <https://khl.ink/f/17174>) تا با آن اراده و قدرت انتخابی که خدا به بشر داده است، بتواند بر تمامی کژی‌ها و سختی‌ها فائق آید، به شرط اینکه انسان این اراده را به کار بگیرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۳/۰۶، <https://khl.ink/f/17182>). همچنین ایشان در ذیل آیات ۸، ۹ و ۱۰ سوره بلد «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ. وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ. وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»، به مسأله اختیار اشاره کرده و بیان نموده است که انسان با دارا بودن این موهبت الهی می‌تواند خود را یا در مواجهه هدایت الهی قرار دهد و هدایت را انتخاب کند؛ یا اینکه می‌تواند ضلالت را انتخاب نماید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۹/۱۰، <https://khl.ink/f/10664>) این از خصوصیت اراده‌ای می‌باشد که ذات اقدی اله در انسان قرار داده است.

ج) هنر: یکی دیگر از شاخص‌های مؤلفه خلقت الهی در اصل انسان محوری تربیت قرآنی و حدیثی، وجود هنر در وجود انسان است. معظم‌له هنر را از جلوه‌های زیبای خلقت الهی در انسان بیان داشته (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۲/۱۸، <https://khl.ink/f/3436>) و همه ذی‌شعورهای عالم-عامل و مستمع-کسانی هستند که با به کار بردن و با التذاذ به آن می‌خواهند-به نحو احسن

از آن - استفاده کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۲۱/۰۸/۱۳۶۸، <https://khl.ink/f/2219>). همچنین ایشان هنر را به معنای «ابتکار» داشتن معنا کرده‌اند و بیان داشته‌اند، هنر چیزی است که برای بشر بتواند بن‌بست‌گشایی ایجاد کند (خامنه‌ای، بیانات، ۷/۵/۱۳۷۲، <https://khl.ink/f/4012>). در بیانی دیگر هنر در نظر ایشان يك کیفیت معنوی است؛ بدین معنا که خواص و آثارش را می‌شود تعریف نمود، ولی خود هنر را نمی‌توان تعریف کرد؛ ایشان هنر را مانند روح انسان دانسته است و تعریف‌بردار ندانسته و تنها انسان می‌تواند خواص و آثار آن را تعریف کند؛ به دید ایشان هنرها ریشه و وجه مشترکی دارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۰/۰۶/۱۳۷۲، <https://khl.ink/f/4022>).

۶-۱-۲- مؤلفه خلیفه الهی

خلیفه الهی بودن انسان در زمین؛ معظم‌له در تبیین و تفسیر آیه ۳۰ سوره بقره «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» جانشین را عنوانی بیان کرده که خدا آن را به انسان عطا کرده است؛ آن هم در «فی الأرض» و به این نکته اشاره داشته که ارض بدون این جانشین ارزشی ندارد. ایشان هدف تمامی پیامبران و عبادالله الصالحین را این دانسته که انسان صالح را در این زمین به‌وجود بیاورند، حفظ کنند، رشد بدهند و تکثیر نمایند (خامنه‌ای، بیانات، <https://khl.ink/f/2400>). از سوی دیگر آیت‌الله خامنه‌ای هدف اسلام را چیزی جز تربیت انسان صالح و خلیفه در زمین ندانسته و فلسفه وجودی انقلاب توسط امام (ره) را ساختن جوانانی جهت نائل شدن به چنین مقامی مطرح کرده است و به آن تعبیر فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی داده‌اند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۰/۱۰/۱۳۶۹، <https://khl.ink/f/2400>). ایشان در نگاه انسان‌شناسانه قرآنی و حدیثی که از اسلام بیان می‌کند، به این مطلب اشاره می‌نماید که خلیفه الهی بودن انسان، بدین معناست که انسان همه‌کاره این عالم می‌باشد؛ هم مسئول خود و تربیت خود و تعالی خود و تزکیه و تطهیر خود، هم مسئول ساختن دنیا (خامنه‌ای، بیانات، ۱۰/۹/۱۳۸۹، <https://khl.ink/f/10664>). در ادامه به مهم‌ترین شاخص‌های خلیفه الهی اشاره می‌شود:

جدول ۱: شاخص‌های خلیفه الهی

شاخص‌های مؤلفه خلیفه الهی			
عزم جزم در مسیر الهی	توجه به معنویت	اخلاص و بندگی	اصلاح خود

الف) اصلاح خود: معظم‌له نخستین وظیفه هر انسانی را اصلاح خود بیان کرده است؛ چه اصلاح قلب خود و چه اصلاح کشور خود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۵/۸/۱۳۸۷، <https://khl.ink/f/4205>). ایشان بیان داشتند که در اسلام، نقطه اصلی و محوری برای اصلاح

عالم، اصلاح نفس انسانی می باشد و همچنین شروع همه چیز را از اینجا یعنی اصلاح نفس دانسته است. برپایی دین اسلام بدین جهت بوده که جامعه صدر اسلام خود را اصلاح و تزکیه کرده بود؛ چراکه قرآن آن نسل را به دستوراتی چون «قوا انفسکم» (تحریم، ۶)، «علیکم انفسکم» (مانده، ۱۰۵)؛ «قد افلح من زکیها» (شمس، ۱۰) تأکید کرده بود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۵/۲۴، ۲۳۴۱/https://khl.link/f/). در دیگر بیانات معظم له، اصلاح نفس از طریق اذکار الهی بیان شده است؛ چه خود ذکر و چه نمازی که بر همه مسلمانان واجب است. ایشان مهار پیل مست در درون وجود انسان را با ذکر خدا؛ یاد خدا؛ با پناه بردن به خدا؛ با احساس نیاز به پروردگار؛ با احساس حقارت خود در مقابل عظمت الهی؛ با احساس زشتی های خود در مقابل جمال مطلق حق متعال دانسته و چنین انسانی را که مراقب خود می باشد، منشأ شر، ظلم، فساد و طغیان ندانسته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۸/۲۹، ۴۴۹۰/https://khl.link/f/).

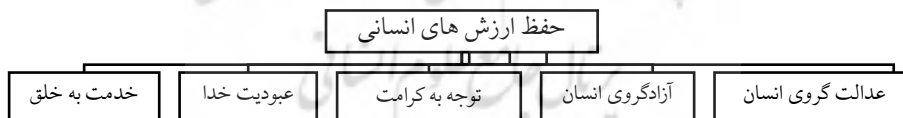
ب) توجه به معنویت: در نظام فکری آیت الله خامنه‌ای نیز جدایی بُعد معنویت از محاسبات روزمره و دنیوی یک خطای محاسباتی محسوب می شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۴/۱۶، ۲۶۹۰۸/https://khl.link/f/). معظم له در این خصوص با اشاره به حدیثی از امام صادق (ع) «من أصبح و لم یهتّم بامور المسلمین فلیس بمسلم». (کلینی، ۱۶۴/۲، ح ۵؛ شیخ طوسی، ۱۷۵، ح ۲۹؛ علامه مجلسی، ۳۳۹/۷۱، ح ۱۲۰) اهمیت آن را بیان کرده است، در واقع معنویتی را که با ظلم می سازد، با طاغوت می سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می سازد، مورد قبول ایشان نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸، ۳۳۰۴/https://khl.link/f/). در نتیجه معنویت یکی از مسائل مهمی است که در چارچوب اندیشه آیت الله خامنه‌ای چه معنویت فردی و چه اجتماعی و آن هم در در عدالت، سیاست و... قابل رؤیت می باشد و به وفور در بیانات خود از معنویت و ابعاد آن به عنوان انسان الهی اسلامی که در حال طی مسیر الهی جهت رسیدن به خلیفه الهی است، آورده شده است. ج) عزم جزم در مسیر الهی: از جمله مواردی که معظم له در خصوص راه حق و مسیر الهی تأکید کرده است، داشتن عزم جزم در مسیر الهی می باشد. ایشان در تفسیر دعای «اللّهُمَّ ارْزُقْنی ... عِلْماً وَاسِعاً ... وَ عَزْماً ثَابِتاً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۴/۳۲۵) آورده است که در راه حق، عزم و اراده محکم و پایدار مهم است؛ همچنانکه قرآن در دو جا «إِسْتَقِمْ» (هود، ۱۱۲؛ شوری، ۱۵) بدین جهت اشاره شده است. استقامت کردن یعنی ثبات ورزیدن در این راه و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار نگرفتن. ایشان راه رسیدن به تمدن اسلامی و نظام حقیقی اسلامی و جامعه‌ی اسلامی را با داشتن چنین عزم جزمی میسور دانسته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۸/۱۸، ۳۸۱۴۰/https://khl.link/f/). و این عزم در صورتی جزم می شود که ارتباطش را با خدا حفظ کند،

در صورتی که این ارتباط، این پیوند انسان با خدا حفظ و استوار گردد، عزم و اراده انسان برای پیمودن راه حق جزم می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۲۶/۴/۱۳۸۷، <https://khl.ink/f/3531>).

د) اخلاص و بندگی: اخلاص از جمله شاخص‌های بسیار مهم آیت‌الله خامنه‌ای در مؤلفه خلیفه الهی است. ایشان در تفسیر روایت «أَنَّ لِكُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يُحِبَّ أَنْ يُحَمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلٍ لِلَّهِ» (فتاوی نیشابوری، ۱۴۰۳: ۲/ ۴۱۴) از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره حقیقت اخلاص بیان داشته است که هر چیزی دارای حقیقتی می‌باشد و یک روح و یک معنا و یک حقیقت دارد. بنده به حقیقت اخلاص و به آن معنای حقیقی اخلاص نمی‌رسد، مگر اینکه دوست نداشته باشد که مردم او را برای هیچ‌یک از کارهایی که برای خدا انجام می‌دهد، ستایش نمایند. در واقع در نظر ایشان شخص باید به این مطلب نگاه کند، ببیند خدا از او چه خواسته است و دقیقاً آن را انجام دهد. (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۲/۴، <https://khl.ink/f/2656>): در نظر ایشان حقیقت اخلاص چنین است.

۳-۱-۶- مؤلفه حفظ شرافت و ارزش‌های انسانی

ایشان ذیل آیه ۷۰ سوره اسراء «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» این «کَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» را دلالت بر عزیز بودن انسان در آفرینش الهی بیان کرده است- بنی آدم را تکریم نمودیم- تکریم- و عزیزی- است که هم شامل مرحله تشریع و هم شامل مرحله تکوین می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/3039>). در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دنیای غرب، مخالف ارزش و کرامت انسان است و تنها مکتب و جهانی که انسان را مورد تکریم و شرافت و ارزش‌هایش را حفظ می‌کند، دین اسلام می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۹/۲۵، <https://khl.ink/f/2645>): از مهم‌ترین شاخص‌های حفظ ارزش‌های انسانی در مبنای تربیت قرآنی و حدیثی معظم‌له می‌توان به جدول ذیل اشاره کرد:



شکل ۴: حفظ ارزش‌های انسانی

الف) عبودیت خدا: آیت‌الله خامنه‌ای اعتبار و ارزش انسان را در این دانسته است که بنده خدا باشد، برای خدا کار کند، از خدا بترسد، از غیر خدا نترسد، از خدا بخواهد، در راه خدا کار و تلاش کند، در آیات خدا تدبیر نماید، عالم را درست بشناسد، کمر به اصلاح مفساد جهانی و بشری ببندد و از خود شروع کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۷/۵، <https://khl.ink/f/2497>). ایشان با اشاره به حدیثی از امام علی (ع) «لِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الْعِبَادِ إِلَى

طاعة الله و من ولاية العباد الى ولاية الله»؛ (مجلسی، ۳۶۷/۷۴). فلسفه جهاد را چیزی جز اینکه انسان‌ها از بردگی بندگان به عبودیت خدا سوق بدند، نداشته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، <https://khl.link/f/21488>). مفهوم مخالف کلام آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان این‌گونه بیان کرد که اگر کسی در این طریق حرکت نکند و بنده محض ذات اقدس اله نشود، گویی برای خود ارزشی قائل نبوده و تنها در مسیر عبودیت خداوند است که ارزش انسان حفظ می‌گردد.

ب) خدمت به خلق: در نگاه ایشان یکی از ویژگی‌های انسان مخلص، این است که عمرش را در راه خدمت به خلق خدا سپری کرده باشد (خامنه‌ای، پیام، ۱۳۶۸/۸/۲، <https://khl.link/f/2209>). همچنین ایشان فلسفه وجودی انسان را خدمت به خلق بیان نموده و آن را از مهم‌ترین شاخص‌های دولت اسلامی مطرح کرده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶، <https://khl.link/23715f/>).

ج) توجه به کرامت: معظم‌له دنیای غرب را مخالف ارزش و کرامت انسان معرفی می‌کند و تنها مکتب و جهانی که انسان را مورد تکریم و شرافت و کرامتش را حفظ می‌نماید، دین اسلام است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۹/۲۵، <https://khl.link/f/2645>).

د) آزادگروی: آزادگروی از جمله شاخص‌های اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای است. آزادی از منظر ایشان، هم آزادی در محیط زندگی و برخورد از همه مواهب زندگی و حقوق شهروندی است و هم آزادی از قدرت‌های دیکتاتور و مستبد، آزادی از خرافات و جهالت‌ها، آزادی از تعصب‌های جاهلانه و کج‌فکری‌ها؛ آزادی از کمند قدرت استکبار، کمند اقتصادی قدرت‌ها و فشار سیاسی قدرت‌ها می‌باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۳/۱۲، <https://khl.link/f/2954>). با توجه به مصادیق بیان‌شده در دید ایشان می‌توان گفت که گرایش انسان به آزادی به‌خاطر حفظ ارزش وجودی خود می‌باشد و در ورای این نوع بینش است که انسان می‌تواند اعتبار خود را حفظ کند و از شخصیت و ارزش ذاتی که نشأت گرفته از توحید و معرفت خدا و شناخت خداوند است، محافظت کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۹، <https://khl.link/f/21488>).

ذ) عدالت‌گروی: عدالت‌گرایی از جمله مباحث پُرفروغی می‌باشد که معظم‌له بسیار بدان پرداخته و آن را شرح داده است. ایشان تکامل انسان را تنها در محیط عادلانه قابل فعلیت دانسته و این مسأله را ناشی از همراهی ایمان در رسیدن به کمال بیان کرده است. وقتی نظام اجتماعی، نظام غلط و ظالمانه باشد، انسان نمی‌تواند در آن به کمال برسد؛ زیرا در این محیط انسان فرصت رسیدن به کمال و پرورش خود را ندارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱/۱۵، <https://khl.link/f/2609>). به‌نظر ایشان، ماهیت زندگی اجتماعی، تلاش مشترک برای رسیدن به سعادت است. مقررات جامعه باید

مطابق با طبیعت انسان و خطرات انسان و طبیعت آفرینش باشد که در غیر این صورت نمی‌تواند موجب رشد، تکامل و شکوفایی انسان شود.

۷- بررسی تطبیقی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای و اومانیسم (افتراق)

یک مقایسه اجمالی و کلی میان کرامت انسانی از منظر اومانیسم، و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره کرامت انسان، می‌توان برخی افتراقات اساسی و مهم دو دیدگاه را به‌صورت زیر بیان کرد.

- مبنای ترین افتراق میان دو دیدگاه، در نوع نگاه به خلقت آفرینشی انسان است؛ یک دیدگاه خلقت انسان را طبیعتی و بر دایره خود محوره طبیعی بیان می‌کند و دیگری خلقت انسان را خلقتی الهی و منشأ ماوراء طبیعی بیان کرده است. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، برای انسان خلقتی الهی و مبدأ و منشأ انسان را خدا بیان نموده است که انسان، آفریده شده خداوند می‌باشد و او را به‌گونه‌ای آفریده است که تمام موجودات مُسخر او باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۲، <https://khl.ink/f/۳۰۳۹>). انسان بالقوه به‌گونه‌ای ساخته شده که تمامی این چرخ و فلک در تسخیر انسان و برای انسان آفریده شده است؛ این برتری هم از جهت تکوینی و هم تشریعی بشر می‌باشد (خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۸: ۱/ ۲۸۹)؛ درحالی‌که در اندیشه مکتب انسان‌شناسی اومانیستی، انسان منشأ طبیعی و غیر ماورای طبیعی دارد، بر این اساس اومانیست‌ها از پذیرش اینکه خدا منشأ نهایی همه موجودات و ارزش‌ها باشد و یا اینکه شکاف بین طبیعت و ماورای طبیعت باشد، سر باز می‌زنند. در نظر آن‌ها انسان قسمتی از طبیعت است، ولو اینکه دارای ابعاد خاصی چون آزادی می‌باشد (Kurtz, 1994: 51). در نتیجه آنان خلقت انسان را منشأ طبیعی و دنیایی فرض کرده‌اند و خلقت الهی او را کنار زده‌اند. این نوع بینش، یعنی خلقتی طبیعی نه الهی.

- در ادبیاتی دیگر در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، منبع خلقت انسان خداوند است و در دیدگاه طبیعت‌گرایان اومانیستی، طبیعت منبع خلقت انسان می‌باشد و توحید به‌عنوان خالق نامحدود و منبع آفرینش نفی شده است.

- در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علاوه بر حس و عقل به‌عنوان منبع معرفت، دین و وحی اصلی - ترین منبع معرفتی انسان در جهان می‌باشد؛ این درحالی است که اومانیست‌ها تنها منبع معرفتی خود را حواس و عقل - خودکفا - بیان می‌کنند و در نتیجه شک‌گرایی از جمله دستاوردهای چنین نگاهی به دیگر منابع معرفتی است.

- از دیگر افتراق‌هایی که بین دو دیدگاه وجود دارد، نوع نگاه به مسأله هنر است. در دیدگاه معظم‌له هنر از جلوه‌های زیبای خلقت الهی در انسان بیان شده است. هنر چیزی است که برای بشر بتواند بُن‌بست‌گشایی ایجاد کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۵/۷، <https://khl.ink/f/۴۰۱۲>). در

بیانی دیگر هنر در نظر ایشان يك کیفیت معنوی است؛ بدین معنا که خواص و آثارش را می‌شود تعریف کرد، ولی خود هنر را نمی‌توان تعریف نمود؛ ایشان هنر را مانند روح انسان دانسته و تعریف‌بردار ندانسته و تنها انسان می‌تواند خواص و آثار آن را تعریف کند؛ به دید ایشان هنرها ریشه و وجه مشترکی دارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۰/۰۶/۱۳۷۲، <https://khl.ink/f/4022>)؛ اما در دید اومانیست‌ها، هنر یک امر دنیوی و طبیعتی است که در عصر رنسانس هنر را در تقلید از طبیعت و غایت هنرمندان نگاه تقلیدی به طبیعت بود و چیزی به عنوان ماوراء طبیعت را در آثار خود منعکس نمی‌کردند؛ این نوع نگاه در دوره دوم و سوم اومانیسم، انسان کانون توجه قرار می‌گرفت و انسان مرکز و مقیاس همه چیزها شمرده می‌شود (حسنی، سید علی، ۱۳۹۲: ۱۳۲) و هنر نیز معطوف لذت‌ها و خواسته‌های نفسی انسان قرار می‌گیرد. به عبارتی دیگر، هنر در ادبیات دینی همواره با معنایی ماورایی و غیبی همراه بوده است؛ چراکه یک امر معنوی و برگرفته از روح انسان می‌باشد؛ اما انسان اومانیستی هنر را تنها در قالب حواس تعریف کرده و هر آنچه را که در دایره حواس قرار می‌گیرد، با هنر عرضه می‌کند. در واقع هنر به یک امر تجربی طبیعتی می‌نگرد، برخلاف دیدگاه معظم‌له که هنر علاوه بر دائرمدار بودن بر حواس، چون خود یک امر معنوی است، همواره با معنایی ماورایی و غیبی همراه می‌باشد و این هنر با دارا بودن امر معنوی، می‌تواند بُن‌بست‌های بشر را گشایشی ایجاد نماید.

- در دید اومانیست‌ها دنیا و طبیعت برای لذت بردن نامتناهی است و هرچه انسان می‌تواند باید از این دنیا لذت ببرد؛ درحالی‌که در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، دنیا محل رشد و شکوفایی انسان برای قرب الی الله است و براساس این بینش از دنیا و طبیعت بهره می‌برد.

- یکی از افتراق‌های اساسی میان آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان اندیشمندی اسلامی و اومانیسم‌ها درخصوص کرامت انسان؛ تعریف و محدوده اصل آزادی است. یکی از اصول اومانیسم، آزادی از هرگونه قید و تعینی خارج از خود انسان می‌باشد. خود انسان است که می‌تواند موقعیت و طبیعت خویش را خود برگزیند و آن را به هر صورتی که بخواهد شکل دهد. این آزادی لجام‌گسیخته راه را برای حرمت‌شکنی و نادیده انگاشتن حقایق اخلاقی و قدسی فراهم خواهد ساخت و در نتیجه راه را برای تسلط هوا و هوس انسان‌ها باز خواهد کرد (حسنی، سید علی، ۱۳۹۲: ۱۳۶)؛ درحالی‌که در دید آیت‌الله خامنه‌ای، گرایش انسان به آزادی به خاطر حفظ ارزش وجودی خود او می‌باشد و در ورای این نوع بینش است که انسان می‌تواند اعتبار خود را حفظ کند و از شخصیت و ارزش ذاتی که نشأت گرفته از توحید و معرفت خدا و شناخت خداوند است، محافظت نماید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۹/۱۰/۱۳۶۵، <https://khl.ink/f/21488>)؛ برعکس دیدگاه اومانیست‌ها که منجر به بی‌حرمتی به اصول اخلاقی و ارزش‌های وجودی انسان می‌شود. این نوع آزادی انسان را از توحید، معرفت خدا

دور می‌کند و در نهایت موجب تسلط غرایز حیوانی بر انسان می‌گردد که این از هدف خلقت انسان و آزادی که خداوند به او داده، به دور است.

- یکی از مؤلفه‌های اساسی در کرامت انسانی انسان‌شناسی اومانیسم، عقل‌گرایی و اعتقاد به خودکفایی و استقلال عقل انسانی در شناخت خود، هستی، سعادت واقعی و راه رسیدن به آن است (Luik, 1998: 530). بدین معنا که عقل محور شناخت هستی است و هرچه از سرپنجه قدرت عقل بشر خارج باشد و قابل کشف نباشد، وجود ندارد؛ در انسان‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای عقل جایگاه خاصی دارد. ایشان به کارکردهای اصلی عقل اشاره کرده و بر این باور می‌باشند که با عقل، وجود خدا ثابت می‌شود، پیام، درس و رهنمود خدا، یعنی وحی ثابت می‌گردد، با وجود عقل وجود قیامت و بسیاری از چیزهایی را که عالم غیب هست ثابت می‌کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴، <https://khl.link/f/17171>). عقل در نزد آیت‌الله خامنه‌ای از جمله مخلوقات است که با قدرتش توانایی شناخت راه خدا در او وجود دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۲/۲۳، <https://khl.link/f/17180>). با چنین گستره‌ای عقل را ایشان تعریف کرده است. تفاوت اساسی عقلانیت نزد خودمحمورها با اومانیستی با انسان اسلام‌محور در این است که عقل برای اومانیست‌ها منبعی خودکفا می‌باشد؛ اما در نزد آیت‌الله خامنه‌ای عقل وسیله مهمی در شناخت راه و معرفت به توحید است که افزون بر آن باید با چراغ وحی و انبیاء به منظور نیل به سعادت فروزان‌تر شود؛ در واقع برای تحصیل مراتب عالی کرامت، انسان باید از طریق نزول وحی و آموزه‌های برخاسته از سخنان و سیره اولیای الهی (نبوت و امامت) تأمین گردد. از این رو، از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای منابع معرفتی افزون بر عقل، حس و تجربه، شامل منبع وحی نیز می‌شود، ایشان از جمله جاهایی که عقل بشری را ناکارآمد معرفی می‌کند، در حوزه تعبدیات است و وحی و دین را دایره‌مدار حرکت انسان به قله بلند کرامت انسان در این عرصه معرفی می‌نماید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹، <https://khl.link/f/2357>).

- اومانیست‌ها دامنه عقل‌گرایی را از حوزه‌های ارزشی دین و اخلاق فراتر نهاده‌اند و بر این باور هستند که همه چیز از جمله قواعد اخلاقی ساخته دست بشر بوده و باید باشد (آندریه، ۱۹۹۶م: ۲/۵۶۷)؛ اما براساس منظومه فکری معظم‌له، عقل نقش اساسی در کرامت انسان دارد؛ اما به دلیل اینکه انسان خودبینانه نیست و همه جهت‌گیری‌ها و اهداف را عقل نمی‌تواند تشخیص دهد، نیاز به راهنما و بعثت انبیاء دارد، (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳، <https://khl.link/f/2572>) تا انسان‌ها را نجات بدهد و به سوی نور هدایت کند و به اخلاق انسانی و کرامت -عالی- برساند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۹/۹/۱۵).

- در یک تفاوت کلی می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که در مواردی که عقل و منطق بشری توانایی تشخیص حق و باطل و خیر و شر را ندارد، در سایه وحی و تعالیم راستین پیامبران، کرامت راستین و حقوق واقعی انسان، مصالح واقعی بشر تمییز داده می‌شود و از این طریق کرامت راستین و حقوق واقعی انسان تأمین می‌گردد. در نتیجه، انحصار فهم انسان در عقل بشری، خلاف کرامت انسان است.

- اعتقاد به عبودیت، وحی و توحید، در یک کلام اعتقاد به دین در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، در راستای تأمین کرامت و حقوق راستین انسان است و آنچه را که بشر با عقل و تجربه مانند آزادی، تمایلات و خواسته‌های افراطی‌اش، همانند لذت‌جویی، منفعت‌طلبی، فردگرایی و... بروز داده است، باید به وسیله شریعت و عقل دینی هدایت شود تا در تضاد با کرامت راستین و حرمت انسان قرار نگیرد. اومانیسیم به علت نداشتن چنین دستاویزی در هر امر و میلی بی‌حد و حصر به افراط کشیده می‌شود و تا نابودی خود حرکت می‌کند.

- از دیگر تفاوت‌های اساسی در بحث کرامت انسانی میان دو دیدگاه، نوع نگاه به کرامت ذاتی انسان است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، انسان کرامتی ذاتی دارد که برخاسته از دمیدن روح الهی در او «روح‌الله» (حجر، ۴۹)، مقام خلیفه الهی (بقره، ۳۰)، فطرت الهی و قوه عقل و اختیار موهبتی از سوی خداوند می‌باشد و توجه به کرامت ذاتی انسان‌ها، از وظایف نظام اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۷/۲۲، <https://khl.link/f/3199>)؛ اما از نظر اومانیسیم «کرامت انسان» منحصر در کرامت ذاتی او می‌باشد که نشأت گرفته از طبیعت، تمایلات و عواطف ذاتی اوست. از این رو طبیعت منبع خلقتی انسان می‌باشد (Kurtz, 1994: 50). به بیان دیگر، اومانیسیم منشأ کرامت انسان را طبیعت انسان می‌داند، نه خداوند (Kurtz, 1994: 51) و درست در مقابل تعریف کرامت انسانی در مبنای قرآنی و حدیثی آیت‌الله خامنه‌ای است.

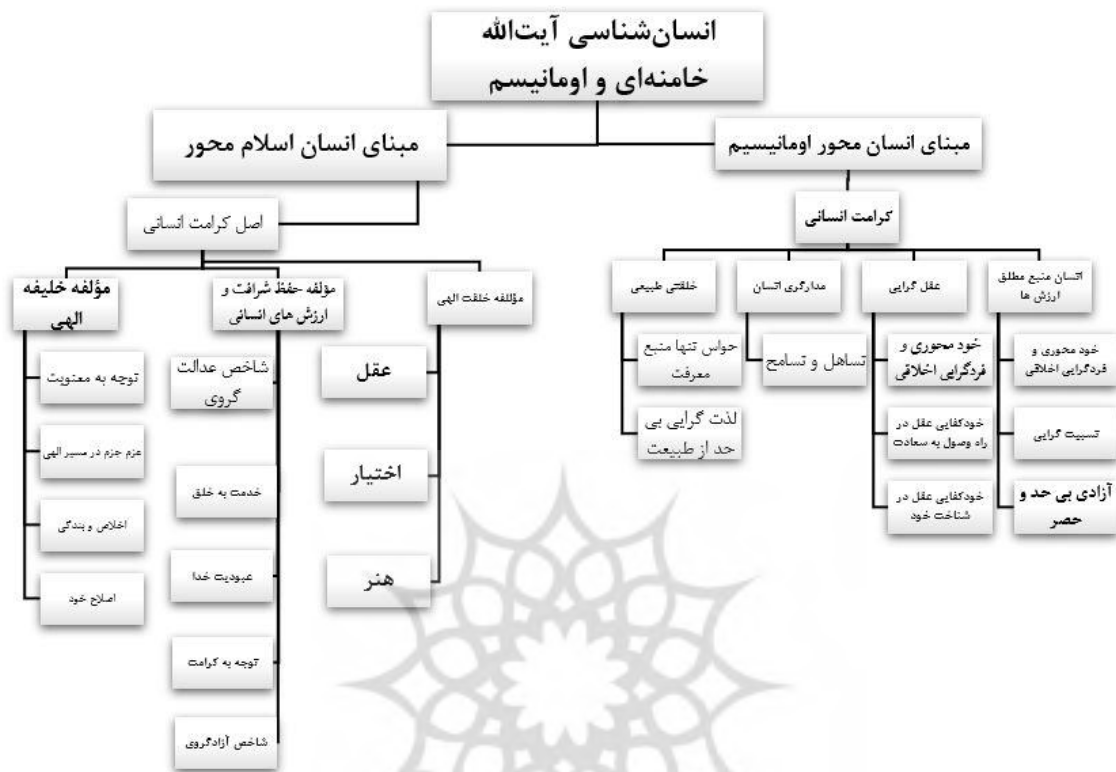
- یکی از مؤلفه‌های مهم اومانیسیت‌ها، تساهل و مدارای مطلق است؛ این مسأله مبتنی بر بنیان‌هایی چون نسبیت و شکاکیت معرفتی می‌باشد که با اندیشه معظم‌له که برگرفته از تعالیم دین اسلام و بر مدار حقانیت حق است، از جهات مختلف ناسازگار و بلکه متضاد می‌باشد. آیت‌الله خامنه‌ای تساهل و تسامح در مقابل مستکبران، کفار و ملحدان را موضعی آشتی‌ناپذیر بیان داشته‌اند و در مواجهه با پیروان دیگر ادیان بر مدار دین اسلام دارای حد و مرز و چارچوب ویژه خود است؛ در واقع برای ایشان خیر و شر، حق و باطل؛ خوب و بد، همه قابل تفکیک و غیرقابل تسامح و تساهل می‌باشد؛ در حالی که در تفکر اومانیسیم‌ها، معیار و میزان همه چیز انسان خودمحور قرار دارد که در نهایت این تفکر منجر به نسبیت اخلاق با محوریت فردگرایی می‌گردد و هر عملی براساس این

مؤلفه چه خوب و چه بد به تعداد افراد انسانی متعدد می‌شود. براساس معیار فردگرایی طبیعی اومانیزم‌ها خیر و شر؛ حق و باطل؛ عدالت و ظلم، معنای خود را از دست می‌دهد که در نهایت دستاوردی چون نیهلیسم می‌رسند.

- یکی دیگر از شاخص‌های مهم کرامت انسان از منظر آیت‌الله خامنه‌ای که در تهافت معنایی نظری و عملی با اومانیزم‌ها می‌باشد، عدالت‌گروی است؛ معظم‌له عدالت را نیاز فطری انسان و خواسته اساسی و دیرین بشریت بیان داشته است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۴/۱۹، <https://khl.link/f/9714>)؛ براساس ملاک تسامح و تساهل اومانیزم‌ها، عدالت برای هر فرد نسبت به فرد دیگر ثابت و تغییرپذیر می‌باشد؛ در نتیجه عدالت امری نسبی مبدل می‌شود که هر فردی به فرد دیگری متفاوت است و این نیست به‌جز آنکه انسان خودمحوری و فردمحوری را جایگزین توحید کرده‌اند. نبود دال مرکزی چون توحید در چارچوب اندیشه اومانیزم‌ها، نتیجه‌ای جز نسبیت عدالت نیست؛ نبود معیار ثابت و حقی در جهان، موجب به‌هم‌ریختگی معنای نظری و عملی عدالت در اندیشکده آنان می‌گردد.

در جدول ذیل بررسی تطبیقی کرامت انسان از منظر انسان‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای و اومانیزم (افتراق) به‌شکل مختصر بیان شده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۵: انسان‌شناسی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای و اومانیسیم

آنچه که به نظر می‌رسد جزء وجوہات مشترک دو منظر قابل‌بیان می‌باشد؛ بعضی از شاخص‌هاست که تنها در قالب لفظی شباهت دارند؛ مانند عقل که در عنوان مشابہت دارند؛ اما از جهت تعریف و کارکرد، هر کدام افتراق و تفاوت اساسی وجود دارد.

نتیجه‌گیری

- کرامت انسانی از جمله اصول اساسی و مهم‌ترین مبنای تربیت قرآنی و حدیثی در منظومه فکری انسان‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای می‌باشد که بر مبنای انسان اسلام محور تفسیر شده است و با مؤلفه و شاخص‌های آن در مکتب اومانیسیت‌ها در تهافت و افتراق معنایی و ماهوی می‌باشد.
- اومانیسیم جدید تاکنون سه مرحله را از رنسانس تا الان پشت سر گذاشته است. اومانیسیم با مبنا قرار دادن انسان خودمحور و مؤلفه‌هایی چون طبیعت‌گرایی انسان؛ منبع ارزش بودن انسانها؛ عقل‌گرایی و اعتقاد به خودکفایی و استقلال عقل انسانی در شناخت خود، هستی، سعادت واقعی و

راه رسیدن به آن و مؤلفه‌ای چون مدارا (تساهل و تسامح) را در تاروپود جامعه غربی رشد و نمو داده است. این نوع نگاه به انسان با آنچه آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان مفسر قرآن و حدیث‌شناسی اسلام‌شناس و پرچم‌دار حقانیت اسلام بیان داشته، در تضاد می‌باشد.

- از نخستین مؤلفه اومانیست‌ها که منشأ انسان را خلقتی طبیعی و غیرماروای طبیعی بیان داشته‌اند، این اختلاف قابل‌مشاهده است؛ چراکه معظم‌له منشأ انسان را خلقتی ماواری طبیعی و الهی می‌داند، نه وابسته صرف به زمین. از سوی دیگر ایشان تنها منبع ارزش‌ها را انسان بیان نکرده است، بلکه دین مهم‌ترین شاخص جهت بیان ارزش‌ها معرفی شده است؛ به‌گونه‌ای که وحی به مردم تعلیم می‌دهد که ارزش‌هایی را که خداوند درخصوص ارزش‌های انسان بیان نموده است، حفظ کند.

- شاید بتوان گفت که افتراق اساسی اسلام، انسان‌محوری آیت‌الله خامنه‌ای با انسان خودمحوری اومانیست‌ها در تعریف و تفسیر آنان از عقل و خردگرایی است؛ چراکه در مکتب اومانیسم، عقل به‌عنوان ابزار خودکفا در تمامی شئون انسان بیان شده است که بی‌نیاز از منبع‌های دیگر می‌باشد؛ اما دیدگاه انسان اسلام‌محور آیت‌الله خامنه‌ای، عقل و منطق بشری را یارای تشخیص حق و باطل و خیر و شر ندانسته و قائل به این است که در سایه وحی و تعالیم راستین پیامبران، کرامت راستین و حقوق واقعی انسان، مصالح واقعی بشر تمیز داده می‌شود و از این طریق کرامت راستین و حقوق واقعی انسان تأمین می‌گردد. درنتیجه، انحصار فهم انسان در عقل بشری، خلاف کرامت انسان می‌باشد.

- انسان در دیدگاه معظم‌له به‌طور ذاتی پاک و دارای کرامت الهی است، درحالی‌که در تفکر اومانیسم، انسان براساس ارزش و منزلت و جایگاه اجتماعی او نظر شده است.

- مبنای کرامت انسانی در اسلام، وجود متعالی جسمی و روحی او می‌باشد؛ درحالی‌که در مکتب اومانیسم، مبنای آن عرضی و خلقتی طبیعی بیان شده است.

- فلاح و سعادت در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای با تکمیل کرامت انسانی به خلیفه الهی بودن؛ خلقتش را الهی دانستن و ارزش‌هایش را با ایمان و عمل صالح و تقوا می‌تواند میسور گرداند؛ درحالی‌که در مکتب اومانیسم؛ رسیدن به سعادت، تنها با عقل مادی‌اندیش و دنیاطلب بیان گردیده و خود دنیا و لذت‌های آن اصل محسوب شده است.

- در آرای معظم‌له فرجام انسان وابسته به تکریم و کرامت او می‌باشد و این انسان را دارای خلقتی طبیعی (جسم) و الهی (روح) دانسته است؛ درحالی‌که مکتب انسان‌محور اصالت را به خلقت طبیعی و زمینی او دانسته است و حواس را تنها ابزار مُدرک معرفتی جهان بیان داشته است. این انسان الهی در دیدگاه او با عقل منبعث از مکتب اسلام و اختیاری که در ملبس شدن به تقوا ارزش

پیدا می‌کند، به ذات اقدس اله تقرب می‌جوید و از باکرامت‌ترین انسان‌ها در نزد الله قرار می‌گیرد
«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (حجرات، ۱۳).

عدم تعریف صحیح از کرامت انسانی در دنیای امروز، سبب تنزل انسانیت و سقوط در فسادهای
اخلاقی و سرگشتگی در معنویت شده است که در آرای آیت‌الله خامنه‌ای تنها با رجوع به ارزش‌های
انسانی از جمله عبودیت خداوند، خدمت به خلق، اخلاص و بندگی و توجه به معنویت، موجب رها
شدن انسان از بردگی مدرن و بحران معنویت می‌شود.



منابع

۱. قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۲. آندریه، لالاند (۱۹۹۶). موسوعة لالاند الفلسفیه بیروت: منشورات عویدات.
۳. ابوالقاسمی، نصیری، خالقیان (۱۳۹۶). تحلیل انتقادی مبانی معرفت‌شناختی اومانیسیم دکارتی بر اساس اندیشه علامه جعفری. محله ذهن، دوره ۱۸، ش ۷۲.
۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۰). حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب. تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶) جرعه‌ای از صهبای حج، قم، مشعر
۶. حسنی، سید علی (۱۳۹۲). «نقد و بررسی اومانیسیم جدید»، مجله معرفت فلسفی، س ۱۰، ش سوم.
۷. حکیمی، محمد (۱۳۹۹). کرامت و حقوق انسان در نهج‌البلاغه. ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ اول.
۸. خامنه‌ای، سید علی، بیانات؛ مکتوبات: سایت درسترس؛ <https://farsi.khamenei.ir>
۹. خامنه‌ای، سید علی، روح توحید و نفی عبودیت غیر خدا، بی‌جا، بی‌تا.
۱۰. خسروپناه، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۸)، منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ پنجم.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران
۱۲. دیویس، تونی (۱۳۷۸). اومانیسیم. مترجم: عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
۱۳. رحمتی، حسینعلی (۱۳۸۸). «دکارت و نردبان معکوس: هم‌سخنی‌های فلسفه دکارت و اومانیسیم رنسانس». مجله پژوهش‌های کلامی؛ س ۱۱، ش ۱.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). معجم مفردات الفاظ قرآن. تهران: دفتر نشر کتاب.
۱۵. زرشناس، شهریار (۱۳۷۰). درآمدی بر اومانیسیم و رمان‌نویسی. تهران: برگ.
۱۶. سلیمی‌زارع، مصطفی؛ قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۶). «کرامت انسانی در پرتو قرآن و روایات». ناشر: بینات، شماره ۵۳.
۱۷. صانع‌پور، مریم (۱۳۷۸). نقدی بر مبانی معرفت‌شناسی اومانیسیم. تهران: نشر کانون اندیشه جوان.
۱۸. صادقیان‌زاده، احمد (۱۳۸۶). مجموعه آثار همایش امام خمینی و قلمرو دین «کرامت انسان»: مجموعه مقالات، تهران: عروج.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. فوگل، اشپیل (۱۳۸۰). تمدن مغرب زمین. ترجمه محمد حسین آریا، تهران: امیر کبیر.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۲۹)، رسائل فیض کاشانی، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
۲۲. مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۴) لوامع صاحبقرآنی مشهور به شرح فقیه، چ دوم، قم، اسماعیلیان.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ق). التحقيق فی کلمات القرآن کریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. میراحمدی، منصور و کمالی کوگی، محمد (۱۳۹۳). «تحلیل مفهوم کرامت انسان در اندیشه سیاسی شیعه». فصلنامه علمی پژوهشی انقلاب اسلامی. س ۳، ش ۱۰.

۲۵. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (۱۴۲۳ق). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ناشر: دلیل ما.
۲۶. فارسیجانی، پرویز (۱۳۹۶). *کرامت انسان: از دیدگاه اسلام و مسیحیت*. ناشر: روزگار
۲۷. وکیلی، هادی (۱۳۸۴). نقد و مبنای اومانیزم و حقوق بشر غربی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۸. یوسفی، خاطره؛ اصفهانی، سید عبدالله (۱۳۹۷). «مطالعه تطبیقی «کرامت انسان» از منظر فرهنگ رضوی». فصلنامه فرهنگ رضوی، س ۳، ش ۲.
۲۹. یدالله پور، بهروز (۱۳۹۶). *کرامت انسان در قرآن (ماهیت، مبنای و موانع نشر ادیان)*. ناشر: نشر ادیان.
۳۰. یدالله پور، بهروز (۱۳۸۸). *معناشناسی کرامت انسان در قرآن*. پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، سال اول، شماره ۲ بهار.

31. Abbagnano, Nicola (1973). "Renaissance Humanism", in *Dictionary of The History of Ideas*, ed. Philip p. Wiener, New York, Charles Scribner's Sons
32. Davies. Tony (1997). *Humanism*. London and New York, Routledge.
33. Hitchcock, james (1982). *What is Secular Humanism?* Ann Arbor, Michigan, Servant book.
34. Kurtz, Paul (1994). *Toward a New Enlightenment: The Philosophy of Paul Kurtz*, tr. Buliough Vern, Madigan Timothy, London, Transaction Publisher.
35. Luik, john (1998). "Humanism", in *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, London and New York, Routledge.
36. Oskar Kristelle, Paul (1979), *Renaissance Thought and its Sources*. New York, Columbia University press.
37. Webber, Robert e. (1982), *Secular Humanism, Threat and Challenge*. U.S.A, Zonderan Publishing House.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی